



The relationship between architectural spatial configuration and religious social rituals of Elamites (case study: Chaghazanbil site)

Sima Khaleghian¹

PhD student in Architecture, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran

Shima Ghandehari

Master of Iranian Architecture Studies, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran

Mahdi Saedvandi

Associate Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran

Extended Abstract

Introduction

The ancient site of Chogha Zanbil is a magnificent legacy of the Elamite civilization, built around 1250 BC by order of Untash-Gal, the Elamite king. This complex includes a ziggurat, temples, palaces, and underground tombs, all of which were designed and built with special care and elegance. The purpose of constructing this complex was to create a space for performing religious rituals and honoring the Elamite gods.

Background of the Research

Numerous studies have been conducted in the field of architecture and archeology of Chogha Zanbil, but fewer studies have examined the relationship between spatial configuration and religious rituals of the Elamites. In this research, an attempt has been made to achieve a better understanding of how the beliefs and convictions of the Elamites influenced the architecture of this complex by carefully examining the various spaces of Chogha Zanbil and analyzing texts and archaeological evidence.

Research Methodology

This research was conducted in a descriptive-analytical method. The required information was collected through library studies and field studies of the Chogha Zanbil site. In the library studies section, historical and archaeological sources related to the Elamite civilization and the Chogha Zanbil site were studied. In the field study section, the remaining from the ziggurat, temples, palaces, and underground tombs were examined and analyzed.

1. Corresponding Author: sima.khaleghian@yahoo.com

Findings and Discussion

The research findings show that the spatial configuration of Chogha Zanbil, including the courtyards, gates, access routes, and temples, was directly related to the rituals and religious ceremonies of the Elamites. For example, the vast courtyards around the ziggurat were designed to hold processions and gatherings of pilgrims. The large and magnificent gates were a symbol of the power and greatness of the Elamite kingdom, as well as a way to enter the sacred space of the ziggurat.

The specific access routes guided the pilgrims towards the temples and special spaces.

Also, in the architecture of Chogha Zanbil, differences can be observed in the spaces allocated to the courtiers and ordinary people. For example, the royal gate and some special temples were probably intended for the use of courtiers and high-ranking officials, while ordinary people used other gates and more public spaces to perform religious rituals.

In addition, the architecture of the underground tombs of Chogha Zanbil depicts the Elamites' belief in life after death and the needs of the dead in the afterlife. The existence of water channels next to the tombs indicates the importance of water in the Elamites' beliefs, and probably for the purification of the dead or the performance of special ceremonies. Placing objects such as clay pots, water, and food in the tombs shows that the Elamites believed that the dead would need these items in the afterlife.

Conclusion

In general, the present research shows that the spatial configuration of the architecture of Chogha Zanbil was a reflection of the beliefs, convictions, and socio-religious rituals of the Elamites. The careful and intelligent design of this vast religious complex was such that it facilitated the performance of religious rituals and enhanced the spiritual experience of the pilgrims. Also, the differences in the spaces allocated to different strata of society indicate the existence of social and class distinctions in the performance of religious rituals in the Elamite civilization.

Citation:

Khaleghian, S., Ghandehari, SH & Saedvandi, M. (2025). The relationship between architectural spatial configuration and religious social rituals of Elamites (case study: Chaghazanbil site). *Journal of Urban Studies on Space and Place*, 8(33), 95-121. <https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2044570.1084>

DOI: <https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2044570.1084>

URL: https://jspr.jdisf.ac.ir/article_720051.html?lang=en

Copyrights:

©2023 by the authors. Published by Journal of Urban Studies on Space and Place.

This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0 (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)).





ارتباط بین پیکره بندی فضایی معماری و مناسک اجتماعی - مذهبی عیلامیان (مورد مطالعه: محوطه چغازنبیل)

سیما خالقیان^۱

دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

شیما قندهاری

کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

مهدی سعدوندی

دانشیار، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده

بررسی شواهد تاریخی مبین آن است که تاریخ و معماری «عیلام»، مستندترین نمونه تاریخی قبل از زمان حکومت «مادها» است. «اوتناش گال» پادشاه مذهبی عیلامیان، با ساخت شهر «دور-اوتناش» و بنای معماری های مذهبی دیگر مانند «زیگورات چغازنبیل» و محوطه اطراف آن و تقدیم آن ها به خدایان حکومت می کرد. این زیگورات و معابد و کاخ های آن، محل برگزاری مناسک مذهبی و جشن ها بوده است. مرور اعتقادات، نحوه انجام این مناسک و افرادی که در آن حضور داشته اند، از تأثیر آن بر شاکله بناها و معماری این دوران حکایت دارد. مطالعه فضایی رخداد آیین های مذهبی یا سنتی در مجموعه چغازنبیل و تعبیری که برای تسهیل انجام آن مراسم و سهولت دستیابی شرکت کنندگان به فضاهای مورد نیاز برای اجرای مناسک توسط معمار عیلامی در نظر گرفته شده، از اهداف پژوهش حاضر است. از سوی دیگر، این نگارش سعی دارد با بررسی «کاخ-آرامگاه های زیرزمینی» در مجموعه چغازنبیل، نحوه نگرش انسان عیلامی به زندگی پس از مرگ و بازتاب آن در پیکره بندی فضای معماری را تشریح کند. این مقاله به شیوه توصیفی - تحلیلی به رشته تحریر در آمده است. شیوه گردآوری اطلاعات به روش مطالعات اسنادی - کتابخانه ای و همچنین با مراجعه به بنا و از طریق مطالعه میدانی آثار به جامانده از زیگورات، در حال حاضر، بوده است.

وجود منابع آب برای تطهیر در جای جای معبد و صحن ها و تعبیه آبراه در مقبره ها نیز از دیگر مؤلفه های نشئت گرفته از عقاید عیلامی در ساخت فضای زیگورات است که در حفاری های صورت گرفته کشف شده اند. این ساخته های معماری که از عقاید انسان عیلامی نشئت می گیرند، شکل دهنده فضای عبادی و اجرای مناسک بوده اند. پژوهش نشان می دهد، در باریان و مردم عادی از لحظه ورود به محوطه در فضای متفاوتی به سر می برند. افتراق در ابعاد تناسبات و فرم صحن ها و حتی نوع مصالح و منابع نشان دهنده تفاوت سطح اجتماعی و اقتصادی کاربران آن بوده است. ابعاد و نوع برخی مسیرهای دسترسی مبین محدودیت عامه مردم در استفاده از بخشی از فضا است. بنابراین می توان نتیجه گرفت، در این حریم اجتماعی - مذهبی تأثیر متقابل تفکر و عقاید انسان عیلامی و به ویژه پادشاهان

۱. ایمیل نویسنده مسئول: sima.khaleghian@yahoo.com

آن دوره را بر ساخته‌های معماری، مسیرهای دسترسی و فضای مصرفی در پیکره‌بندی و شکل‌گیری معماری، شاهد هستیم.

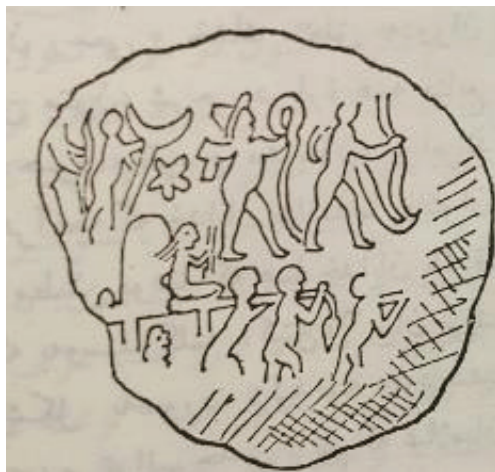
کلیدواژه: تاریخ و معماری عیلام، زیگورات چغازنبیل، مناسک، کاخ-آرامگاه زیرزمینی، مکان، فضا.

پرسش‌های پژوهش

نگارش حاضر بر آن است تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. انسان عیلامی با ورود به حریم زیگورات چغازنبیل در چه مناسکی شرکت می‌کرده است؟
۲. فضاهای معماری طراحی شده برای انجام مناسک مذهبی درباریان و مردم عادی چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی داشته‌اند؟
۳. براساس معماری مقبره‌های چغازنبیل، اعتقادهای عیلامیان نسبت به جهان پس از مرگ چگونه در طراحی این فضاها بازتاب یافته است؟





تصویر شماره (۱): حکاکی از مراسم مذهبی عیلامیان
(منبع: هینتس، ۱۳۷۱: ۶۸)

تنها اطلاع موجود در مورد مراسم مذهبی عیلامیان، از چند یافته پراکنده ناشی می‌شود. در میان اسناد و مدارک بی‌شمار موجود که رویدادها و تصاویر گوناگون را نشان می‌دهد، تا امروز تعدادی انگشت‌شمار، و آن هم به‌سبکی غریب و نه‌چندان احترام‌آمیز، به موضوع مراسم مذهبی پرداخته است (هینتس، ۱۳۷۱: ۵۸).

اعمال منظم نیایشی عیلامیان - جدا از سفرهای زیارتی‌شان - در معابد و زیارتگاه‌هایی صورت می‌گرفت که به فراوانی در کتیبه‌ها یاد شده‌اند (تصویر شماره (۱))، (هینتس، ۱۳۷۱: ۶۵). منابع موجود، اطلاعاتی جزئی درباره اعمال مذهبی عیلامیان به دست می‌دهد؛ از جمله اینکه عبادت معمولاً همراه با موسیقی بوده و قربانی کردن، جزئی از مراسم روزانه معابد عیلامی بوده است (هینتس، ۱۳۷۱: ۶۸). تقویم، همچنین شاهد نفوذ عمیق مذهبیون در زندگی عادی مردم عیلام بوده است. تا اواسط هزاره دوم قبل از میلاد، عیلامیان باید ابتدا مزارع وقفی معابد را سامان می‌دادند تا اجازه یابند به خیش زدن و بذرافشانی مزارع خود بپردازند (هینتس، ۱۳۷۱: ۷۰).

پژوهش حاضر به مطالعه اعمال و مناسک عیلامی، با استناد به وجوه مشترک این مناسک با دیگر مناسک

...در نزدیکی‌های برج زیگورات مقدس، هیچ چیزی بدون یک معنای معین و بدون یک ارزش مذهبی و آیینی به وجود نیامده است...» (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۳۵).

تنها شواهد تاریخی که قبل از دوران «ماد» و «هخامنشی» در ایران وجود دارد، مربوط به عیلامی‌هاست (نگهبان، ۱۳۷۵: ۲۱۲). محدودیت شواهد و اطلاعات تاریخی از دوران قبل از مادها، اهمیت و ضرورت شناخت پررنگ‌ترین اثر این دوران یعنی معابد، کاخ‌ها و حریم بنای زیگورات چغازنبیل را دوچندان می‌کند. شناخت عقاید انسانی که در آن دوران می‌زیست و تأثیری که در پس آن تفکرات بر معماری پیرامونی خود و شکل آن می‌گذاشت، رابطه‌ای رفت‌وبرگشت‌گونه بین انسان و محیط یا انسان و مکان را تعریف می‌کند. خوانش صحیح این رابطه، مسیر اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهد.

شهر بزرگ و مذهبی دوراوتاش، در حدود ۱۲۵۰ پیش از میلاد، به فرمان اوتناش‌گال از پادشاهان سلسله عیلام ساخته شد. زیگورات چغازنبیل، در استان خوزستان ایران، جنوب شرقی شهر باستانی شوش (پایتخت سرزمین عیلام) جای گرفته است. بناهای مقدس و مذهبی بر مبنای فلسفه‌ای که از باورها و اعتقادهای آدمیان سرچشمه می‌گیرد، ساخته می‌شوند. این اثر نیز یکی از بناهای مقدسی است که عناصر تفکر آمیخته با تقدس، در آن دیده می‌شود؛ زیگورات عظیم‌الجثه‌ای که عظمتش بیانگر عواطف عمیق مذهبی حکمرانان و مردم عیلام است. از آنجاکه مردمان سرزمین‌های شرقی، مقرر خدایان را در کوه‌ها می‌پنداشتند، در مناطق جلگه‌ای، برای خدایان ساختمان‌هایی مرتفع می‌ساختند و آن‌ها را تپه مقدس می‌نامیدند. آنچه مسلم است اینکه، بنا بر تفکر و تلقی زمینیان، همواره جایگاه خدایان در منزلگاه‌های بلند است (قهاری، ۱۳۸۸: ۱۰۱).

مذهبی در میان ایرانیان، و با تکیه بر مؤلفه و ویژگی های مکان (چغازنبیل) می پردازد. سعی نگارندگان بر این است که با نگاهی به نحوه زیست، تعامل و عبادت انسان معاصر، به بازخوانی نحوه انجام آیین های عبادی، مناسک و آداب و رسوم عیلامیان در زیگورات چغازنبیل پردازند و سپس با ارائه تصاویر و مدارک گرافیکی، خواننده را در شناسایی و بازخوانی مناسک این بنای تاریخی یاری رسانند.

روش پژوهش

این مقاله به شیوه توصیفی-تحلیلی به رشته تحریر درآمده است. در این روش پژوهشگر علاوه بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن می پردازد. پژوهشگر برای تبیین و توجیه دلایل، به تکیه گاه استدلالی نیاز دارد. این تکیه گاه از طریق جست و جوی در ادبیات و مباحث پیشینه پژوهش و تدوین گزاره های موجود درباره آن فراهم می شود. پژوهشگر از نظر منطقی جزئیات مربوط به مسئله پژوهش خود را با گزاره های کلی مربوطه ارتباط می دهد و به نتیجه گیری می پردازد.

از ویژگی های پژوهش توصیفی این است که پژوهشگر دخالتی در موقعیت، وضعیت و نقش متغیرها ندارد و آن ها را دستکاری یا کنترل نمی کند و صرفاً آنچه را وجود دارد مطالعه می کند و به توصیف و تشریح آن می پردازد. در نتیجه از طریق این گونه تحقیقات شناخت های کلی حاصل می شود. شیوه گردآوری اطلاعات به طریق مطالعات اسنادی-کتابخانه ای و همچنین با مراجعه به بنا و از طریق مطالعه میدانی آثار به جامانده از زیگورات، در حال حاضر، بوده است. با توجه به همسویی این پژوهش در بخشی از قسمت ها با پژوهش های باستان شناسی، در این مقاله نیز از ابزارهای مشاهده میدانی، برداشت های کوتاه میدانی و رجوع به اسناد کتابخانه ای همچون مطالعات مفصل گیرشمن در این محوطه استفاده شده و داده ها با تفسیر و تحلیل به پرسش های پژوهش پاسخ داده اند.

پیشینه پژوهش

درخصوص زیگورات چغازنبیل، مطالعات به چاپ رسیده که به قدر کفایت به بررسی ویژگی های معماری، عمرانی و باستان شناسی این بنا پرداخته است. در این میان، یکی از بهترین منابع موجود، مجموعه چهارجلدی چغازنبیل (دوراوتاش) اثر رومن گیرشمن (۱۳۷۵) است. کتاب دنیای گمشده عیلام نوشته والتر هینتس (۱۳۷۱) و کتاب تاریخ عیلام اثر پیر آمیه (۱۳۴۹) نیز از دیگر آثار برجسته در موضوع چغازنبیل است. از طرف دیگر، آنچه تا حدود زیادی از نظر پژوهشگران مغفول مانده، مطالعه مناسک مذهبی عیلامیان است که از نظر نگارندگان، برای شناخت هرچه بیشتر انسان آن دوره و درک تفکر و اعتقادات او ضروری به نظر می رسد. چراکه شناخت انسان، رفتار او در محیط و عقاید و بینش او موجب شناخت بیشتر آثار و دست سازه های محیط زیست وی می شود. همچنین برطرف کردن نیاز عیلامیان به مکانی برای اجرای مناسک مذهبی و خاکسپاری مردگان و عبادت خدایان ضرورت داشته که شیوه ساخت و پاسخگویی به این نیاز، با طرح معماری محوطه چغازنبیل صورت پذیرفته است. از این رو، مطالعه محوطه باستانی چغازنبیل، به عنوان مهم ترین مرکز تجمع انسانی برای انجام مراسم مذهبی، به عنوان نمونه موردی موضوع نگارش حاضر (مناسک مرتبط با معماری و اعتقادات عیلامیان) انتخاب شده است.

تاریخ عیلام

تنها شواهد تاریخی موجود از قبل از دوران «ماد» و «هخامنشی» در ایران، مربوط به عیلامی هاست (نگهبان، ۱۳۷۵: ۲۱۲). شمار مدارک تاریخی درباره عیلامی ها نسبت به مدت زمان تاریخ فرمانروایی آن ها بسیار ناچیز است (موسوی، ۱۳۹۴: ۲۳۵). چنانچه تاریخ عیلام نشان می دهد، عیلامی ها نوعی تمدن، صنایع پرورده و خط برای خود ترتیب داده بودند؛ اما از حیث تشکیلات سیاسی، نتوانستند از حالت ملوک الطوائفی خارج شوند (پیرنیا، ۱۳۸۹: ۵۴).

که در دوره شکوفایی و تولد دوباره عیلامیان ساخته می‌شود و پیش از پایان یافتن سلسله خاندان پادشاهی، تحت ضربات دشمن رنگ می‌بازد (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۱: ۱۰)، (نقشه شماره ۱ و ۲)).

مناسک عیلامیان

«زیگورات» واژه‌ای سومری و به معنای صعود به آسمان است. طرح این‌گونه معابد، هرمی‌شکل بوده و هرچه به بالا می‌رود، قاعده آن کوچک‌تر می‌شود. اکثر این زیگورات‌ها، دارای هفت یا پنج طبقه هستند. در طرح اولیه چغازنبیل، بناها و فضاهای عبادت، گرداگرد یک حیاط مرکزی قرار داشتند و احتمالاً مراسم مذهبی و تقدیم قربانی و هدایا، در فضای حیاط انجام می‌شده و چنین تصور شده که عامه مردم، تنها در مراسمی که در حیاط پیرامون بنا برگزار می‌شده، شرکت داشته و به داخل معبد نمی‌رفته‌اند؛ چنانکه دیواری که این حیاط را در بر داشته دارای هفت دروازه مجلل بود (تصویر شماره ۲)). سپس تحولی در مذهب رخ می‌دهد. از شواهد چنین برمی‌آید که معبودی به نام «گال»، در کنار اینشوشیناک که پیش از آن از برتری کامل برخوردار بود، قرار می‌گیرد و در پی آن، در نحوه ستایش نیز تغییرهایی حاصل می‌شود و مجموعه این تغییرها، به تغییر معماری بنای معبد به شکل زیگورات منجر می‌شود. ارتفاع زیگورات حدوداً ۵۲ متر است (تصویر شماره ۳)). برای دسترسی به طبقات بالا، به جای ساختن یک پلکان یکسره، پلکان‌های متعددی در بنا تعبیه شده است؛ چنانکه برای رفتن به اتاق اصلی معبد در طبقه پنجم، باید چهار طرف معبد را در طبقات زیرین طی کرد که این کار، به سبب ایجاد عدم تمرکز زیاد و تنوع در مسیر حرکت، حائز اهمیت است (سلطان‌زاده، ۱۳۶۲: ۵۴-۵۳)، (تصویر شماره ۴ و ۵ و ۶)).

گفتنی است تنها افراد و شخصیت‌های مهم جامعه، از جمله کاهنان بزرگ و خانواده‌های شاهی، حق صعود به آن جایگاه را داشته‌اند. برای مؤمنان عادی، معابدی دیگر بر روی زمین و در کنار زیگورات برپا



نقشه شماره (۱): موقعیت جغرافیایی چغازنبیل در ایران

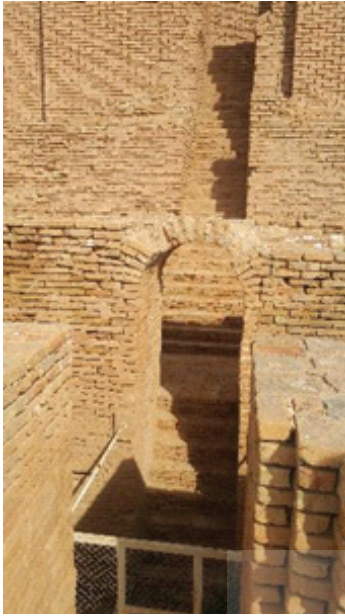


نقشه شماره (۲): موقعیت محوطه باستانی چغازنبیل

در زمان پادشاهی «هومبان نومن»، (حدود ۱۲۸۵-۱۲۶۶ ق م)، تجدید حیات عیلامی‌ها قطعی شد. از او چندین کتیبه شاهی بر جای مانده است و عناوین وی، بیانگر گسترش قدرت اوست (بروک و دیگران، ۱۹۲۶، ۴: ۷۵). پس از وی «اونتاش گال» به پادشاهی رسید. در دوره این پادشاه، معابد زیادی برای خدایان عیلامی برپا شد. زیگورات چغازنبیل و شهر دوراوتناش در ۴۳ کیلومتری جنوب شرق شوش، به فرمان وی، به‌عنوان مرکز عمده مذهبی و اقامتگاه اصلی پادشاهی ساخته شد (موسوی، ۱۳۹۴: ۲۴۳). دوراوتناش شهرکی مذهبی است

بود تا آن‌ها نیز بتوانند از دور به زیارت خدای خود نائل آیند.

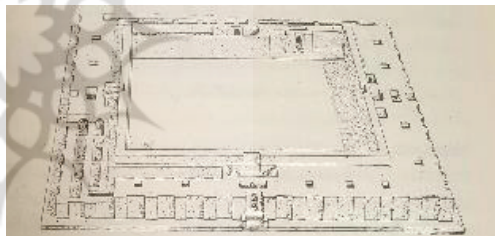
شهرسازان عیلامی، که تمام مجموعه شهر مقدس را در فکر خود طراحی کرده بودند، گستره‌های آزادی در بین دیوار تمنوس و دیوار خارجی شهر تعبیه کرده بودند. این گستره‌ها برای اقامت زائران، اعم از شاهان و مؤمنان ساده در نظر گرفته شده بود. حفاری‌ها، اطلاعات اندکی درباره محل اقامت زائران ساده در اختیار می‌گذارد؛ چراکه اکثر ساختمان‌هایی که می‌توانسته محل سکونت ایشان باشد، آب تخریب کرده است. نظر به اینکه تمامی بناهای مذهبی که برای این شهر زیارتی در نظر گرفته شده بود، ساخته نشده و ساخت خود شهر نیز هرگز به اتمام نرسیده، می‌توان حدس زد که توده عظیمی از زائران، در زیر چادر یا کپره‌های ساخته‌شده از نی اقامت می‌کرده‌اند (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۱: ۶۷).



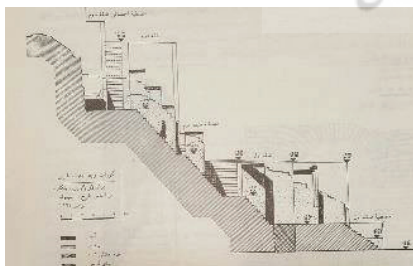
تصویر شماره (۴): پلکان جنوب غربی (منبع: نگارندگان)



تصویر شماره (۵): پلکان و دروازه جنوب غربی (منبع: گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۷۱).



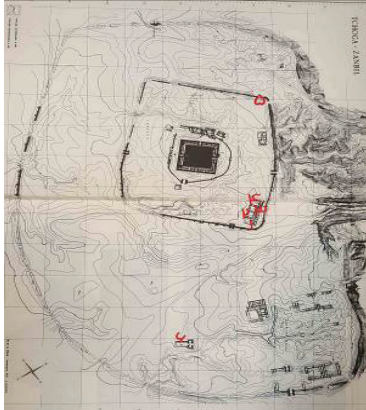
تصویر شماره (۲): وضعیت اولیه زیگورات چغازنبیل (منبع: هیتس، ۱۳۷۱، ۵۳).



تصویر شماره (۶): پلکان جنوب غربی (منبع: گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۷۳).



تصویر شماره (۳): وضعیت نهایی زیگورات چغازنبیل (منبع: هیتس، ۱۳۷۱، ۵۴).



نقشه شماره (۶): موقعیت نیایشگاهها (گرافیک: نگارندگان)

آن متصل می‌شود. در زیگورات نیز درهای ورودی حصار صحن‌ها، هرگز در محور درهای برج زیگورات قرار ندارد. به نظر می‌رسد معمار عیلامی از گذاشتن ورودی‌ها در محور پرهیز می‌کرده است (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۱: ۶۰)، (نقشه شماره (۳ و ۴ و ۵)).

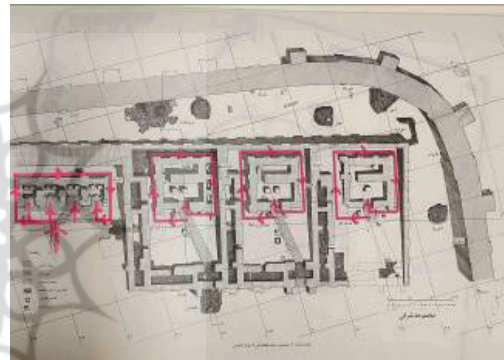
معابد اطراف زیگورات

در دوراوتناش شش نقشه مختلف از نیایشگاه‌ها شناخته شده که پنج نقشه آن روی خود تمنوس و ششمین نقشه که مربوط به نیایشگاه رب النوع «نوسکو» بوده، در محله شاهی برپا شده است. این مجموعه معماری مقدس، با تنوع مشخص نقشه‌ها، معرف موردی منحصر به فرد برای یک تمنوس است که معابد متعددی همزمان برای خدایان مختلف یا برای زوج‌های خدایان بر روی آن برپا می‌شود (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۵۷)، (نقشه شماره (۶)).

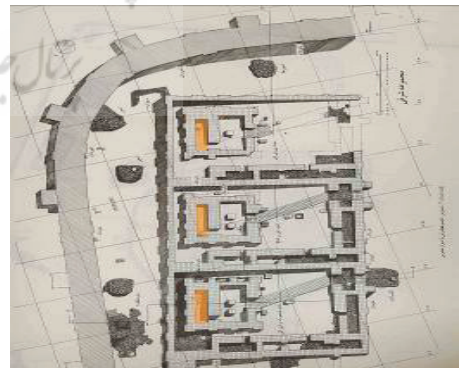
۱-۷: معبد پینیکیر

دیوارهای خارجی معبد پینیکیر، دارای پیش‌آمدگی‌ها و فرورفتگی‌هایی با فاصله‌های منظم است. این ساخت دیوار به صورت پیش‌آمدگی و فرورفتگی، که معمولاً از ویژگی‌های وجوه خارجی بناست، بر اهمیت بنای مرکزی که در حیاط جای گرفته است تأکید دارد. در واقع، یک فضای عریض، نمای آن را از ورودی حیاط جدا می‌کند. فضای خالی در اطراف ارجمندترین

در معماری دوراوتناش یک قاعده کلی وجود دارد: «قبل از اتاق محراب اتاق دیگری نیز وجود دارد» (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۱: ۵۷). معبد به معنی واقعی کلمه، هم در بابل و هم در دوراوتناش، حالتی منزوی دارد و گذرگاهی که دور آن را احاطه کرده، احتمالاً برای مراسم طواف و ذکر بوده است. در هر دو سرزمین، اتاق قبل از اتاق محراب و اتاق محراب، به صورت عرضی و به موازات یکدیگر قرار گرفته‌اند. با این همه، نیایشگاه عیلامی از نظر برخی جزئیات، از قرینه بابی خود فاصله می‌گیرد؛ به این معنی که ورودی اصلی آن، هرگز در محور در ورودی اتاق قبل از محراب قرار ندارد، بلکه جابه‌جا و با راهی کف‌سازی شده که به صورت انحرافی به

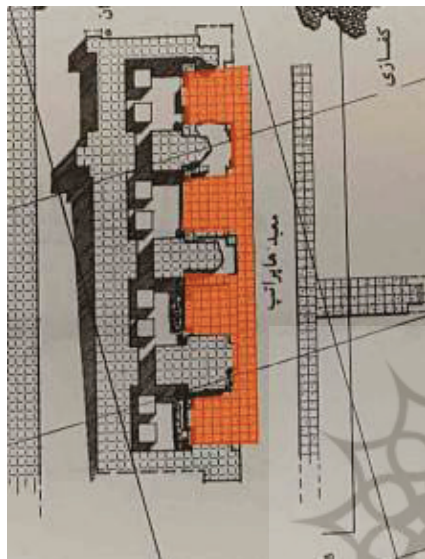


نقشه شماره (۳): مسیر طواف به دور معابد پینیکیر، ایم و شالا، شیموت و نین‌الی و ناتراتپ (گرافیک: نگارندگان)



نقشه شماره (۵): اتاق محراب (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۱: ۶۰)

و بنابراین، مانع رسیدن سریع او از طرف مقابل به مکان خداست، در این مکان مستقیماً به طرف ورودی معبد می‌رفته است. بدون تردید در سلسله مراتب خدایان عیلامی، ناپراتپ جایی ثانوی را اشغال می‌کرده است (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۳۶-۳۸)، (نقشه شماره ۸)).

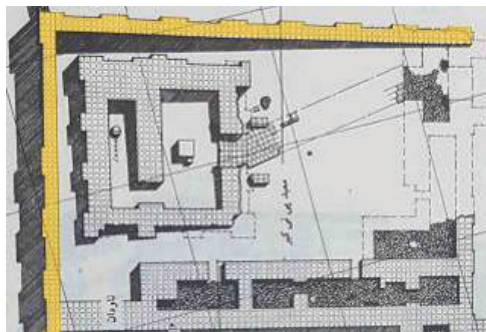


نقشه شماره (۸): ورودی معبد ناپراتپ
(گرافیک: نگارندگان)

۷-۳. معبد هیشمیتیک و روهوراتیر

از آنجایی که هیچ‌یک از این بناها از هیچ طرف آزاد نیستند، می‌توان گفت هیچ نوع مراسم یا مناسک طواف‌گونه که همراه با ذکر باشد، در این اماکن انجام نمی‌گرفته است. معبد کوچک (نقشه شماره ۱۰)) از سه طرف توسط گذرگاهی به عرض ۲/۵ متر احاطه شده و همین امر، امکان این تصور را به وجود می‌آورد که در اینجا نیز مراسم طواف و دعا خواندن و ذکرگفتن جریان داشته است. به این ترتیب، هم نقشه و هم موقعیت منزوی این معبد در حیاط و نیز ساختمان‌سازی دقیق و کف‌سازی عریض‌تر آن، نشانگر اهمیت خاصی است که برای این نیایشگاه قائل بوده‌اند (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۴۴)، (نقشه شماره ۹)).

قسمت نیایشگاه می‌توانسته موجب به وجود آمدن این نظریه شود که در این محل، مراسمی همراه با طواف وجود داشته است (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۲۷)، (نقشه شماره ۷)).



نقشه شماره (۷): وجوه خارجی معبد پینیکیر
(گرافیک: نگارندگان)

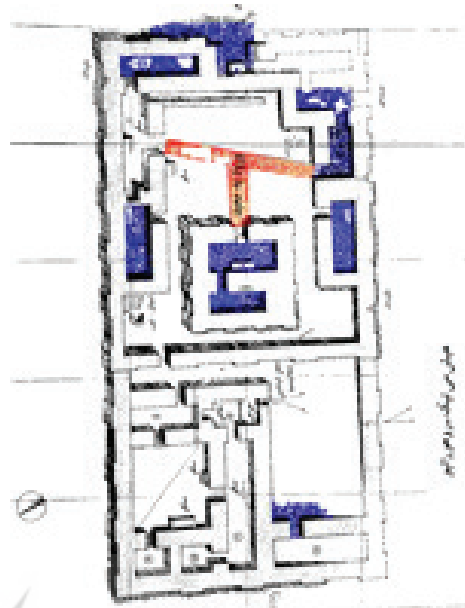
۷-۲. معبد ناپراتپ

این معبد شامل چهار نیایشگاه کوچک است. این نیایشگاه‌ها بلوک واحدی را تشکیل می‌دهند که در اطراف آن‌ها نیز گذرگاهی تعبیه شده است. از این گذرگاه‌ها فقط قطعه‌ای کف‌سازی باقی مانده است. بنابراین، این مجموعه چهار نیایشگاهی در مجموع، از بلوکی که سه معبد قبلی را تشکیل می‌دادند جداست. نامتناسب بودن درهای بسیار گشاد به نسبت عمق اتاق‌ها، نشان می‌دهد که مراسم یا مناسکی که در آن‌جا به عمل می‌آمده، اکثراً تداوم مراسمی بوده که در خارج انجام می‌شده است. چهار نیایشگاه کوچک، توسط سه دری که در میان سه دیوار جداکننده ایجاد شده، و از طریق سه گذرگاه تنگی که چهار جفت سکوی نیایش در پشت آن‌ها قرار داشت، به هم مربوط می‌شوند.

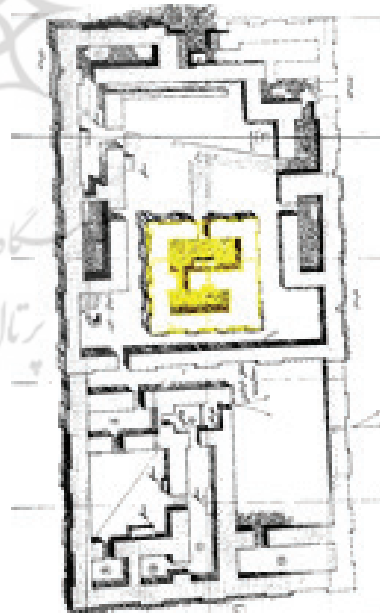
نقشه این نیایشگاه با تمام نیایشگاه‌هایی که در دوراوتناش پیدا شده متفاوت است. این نیایشگاه به طور گسترده و فراخی به بیرون باز می‌شود. مؤمن به جای اینکه مانند جاهای دیگر، برای رسیدن به معبد، با نوعی احترام و تعظیم، راهروی کف‌سازی شده‌ای را طی کند که به طور غیرمستقیم و انحرافی به معبد منتهی می‌شود

به گفتهٔ گیرشمن، کف این معبد، پوشیده از اندود گچ و دارای نوعی تأسیسات حوض و حمام بوده و این تأسیسات، به شکل یک تشت آب نما دیده می‌شده که تمام طول اتاق را اشغال کرده است. جریان آب نیز توسط کانالی که از زیر دیوار جنوب غربی می‌گذرد و به دومین حیاط بخش الحاقی، یعنی حیاط جنوب غربی می‌رسد، هدایت می‌شود (۱۳۷۵، ۲: ۵۰). باید باور کرد که آب در اینجا نقش خاصی ایفا می‌کرده است؛ چنانچه در همه‌جا، تأسیسات مربوط به آب بیانگر اهمیتی آئینی هستند (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۵۳). طبیعی است که تأسیسات مربوط به طهارت، در مقابل ورودی یک معبد جای گرفته باشد. مناسبی مربوط به غسل، فقط به صورت نمادین انجام می‌شده است. این امر به خصوص شامل شستن دست‌هاست که به نظر می‌رسد در دوراوتناش روی صحن انجام می‌شده؛ یعنی جایی که در اطراف زیگورات، خمیره‌های آب در طول دیوار حصار قرار داشت و یکی از آن‌ها نزدیک «دروازه شاهی» پیدا شد که ظاهراً برای استفادهٔ زوج شاهانه تعبیه شده بود (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۵۴).

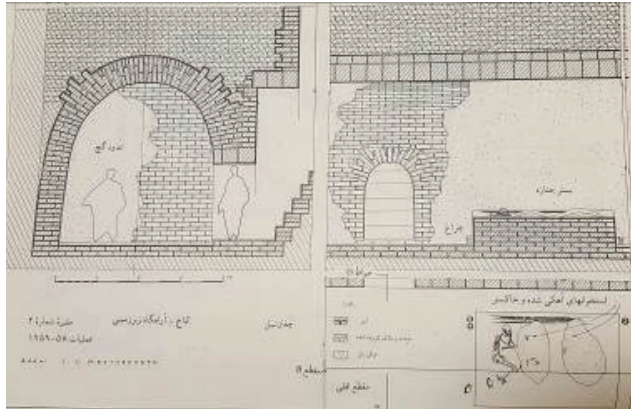
زندگی پس از مرگ در باور انسان عیلامی
 در مورد نحوهٔ تفکر انسان عیلامی در زمینهٔ زندگی بعد از مرگ، باور دنیای دیگر و حیات دوباره او، می‌توان به شواهد و مدارک موجود در مقبره‌های آن دوران توجه کرد. اغلب شواهد دربارهٔ نحوهٔ اندیشیدن انسان‌های آن دوران دربارهٔ مرگ و مردگان، و تصوره‌های خاص ایشان از سرنوشت انسان بعد از مرگ و جهان آخرت و اتفاق‌های آن را می‌توان در گورهای عیلامیان جست‌وجو کرد. هنگامی که مرگ یکی از مردمان عادی عیلامی فرامی‌رسید، به‌سادگی و بدون کفن، در زیر خانه‌اش دفن می‌شد و تقریباً همواره کوزه‌ای گلی نیز به‌عنوان هدیه، پیش پای او، در گور قرار داده می‌شد؛ هرچند که فردی فقیر می‌بود. درعین حال، کانال‌هایی برای گذر آب نیز در قبر وجود داشت؛ چراکه عیلامیان اعتقاد داشتند آب نیز، مانند غذا برای زندگی پس از مرگ لازم است (هیتس، ۱۳۷۱: ۷۶).
 به‌جای آوردن مناسبی مذهبی مربوط به خاکسپاری



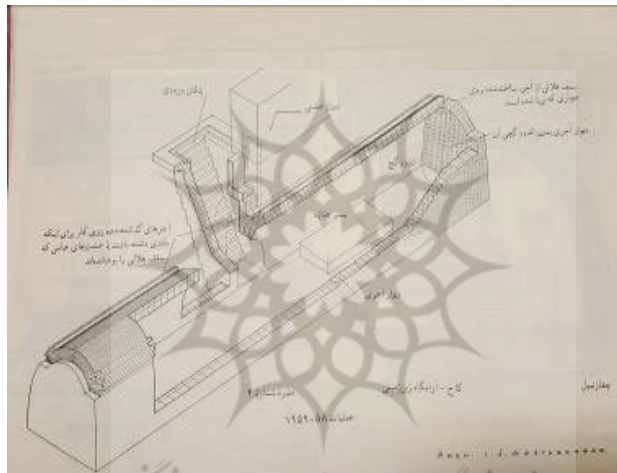
نقشهٔ شمارهٔ (۹): کفسازی معبد هیشمیتیک و روهوراتیر (منبع: نگارندگان)



نقشهٔ شمارهٔ (۱۰): معبد کوچک در داخل معبد هیشمیتیک و روهوراتیر (منبع: نگارندگان)



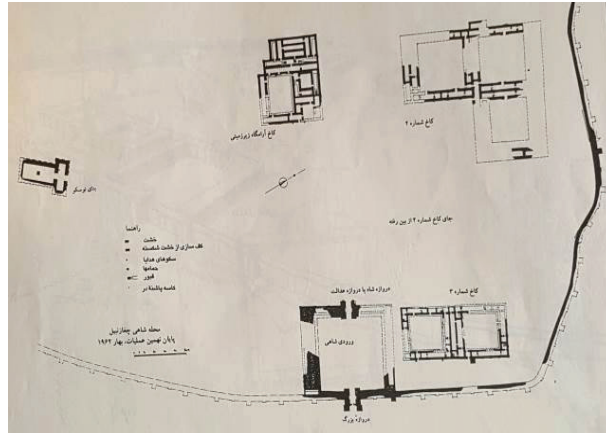
نقشه شماره (۱۱): برش از کاخ-آرامگاه زیرزمینی (منبع: گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۹۵)



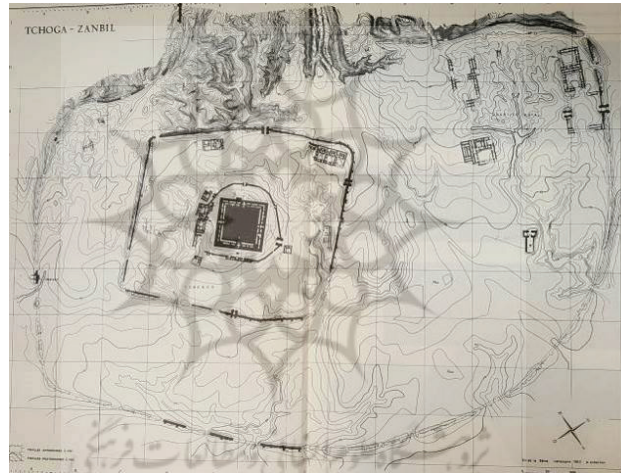
تصویر شماره (۷): مقطع - پرسپکتیو از کاخ-آرامگاه زیرزمینی (منبع: گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۹۶)

پس از مرگ و اوتناش گال، شدت و حدت زندگی مذهبی در دوراوتناش کاهش می‌یابد و جانشین او به نام کیدین خوتران، ظاهراً صلاح و فایده‌ای در پیگیری کار برادرش نمی‌بیند. خاکسپاری او در یکی از گورهای باشکوه که در زیرزمین‌های قصر یافت شده، احتمالاً نمایش مردمی بزرگی را که شهرک مقدس با آن مأنوس بود، محدود کرده باشد. فقط به‌هنگام این جشن‌ها و مراسم بزرگ مذهبی بود که شاه و دربارانش به این شهرک می‌آمدند و در اینجا اقامت می‌کردند (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۱: ۱۸). به نظر می‌رسد کاربری کاخ‌ها، در ارتباط مستقیم با

مردگان در عیلام، با اعمال و رسوم بابلی‌ها و آشوری‌ها که همگی مردگان را در زیر محل اقامتشان دفن می‌کرده‌اند، تفاوتی ندارد (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۱: ۸۳). دقتی که برای ساختن این کاخ-آرامگاه‌ها به‌کار رفته، طلب می‌کند که بدان به‌عنوان بنای اختصاصی شاه نگریسته شود. این کاخ-زیرزمین را فقط باید به‌مثابه یک اقامتگاه موقتی تصور کرد که پادشاه تنها در طول دوره‌های کوتاه‌مدت زیارت، مراسم و جشن‌های بزرگ در آنجا سکنی می‌گزیده است (تصویر شماره (۷) و نقشه شماره (۱۱))، (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۷۶).



نقشه شماره (۱۲): موقعیت کاخ- آرامگاه‌های محوطه چغازنبیل (منبع: گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۶۹)



نقشه شماره (۱۳): موقعیت کاخ- آرامگاه‌های محوطه چغازنبیل (منبع: استو، ۱۳۷۵، ۳: ۲۱۹-۲۱۸)

حصار شهر باز شده بود و یکی در طرف جنوب شرقی و دیگری در مقابل رودخانه، یعنی در طرف شمال شرقی قرار داشت. موج زائران و همچنین حرکت دسته‌های انسان‌ها که با طواف‌های مقدس و ذکر ادعیه همراه بوده، در جریان جشن‌های بزرگ توسط چهار دروازه، به طرف صحن‌های خارجی متمسک هدایت می‌شده که یکی از این چهار دروازه از سایر دروازه‌ها بزرگ‌تر بوده است. این دروازه، همان دروازه شمال شرقی (طرف رودخانه) است. دروازه دیگر به نام «گذرگاه

خاکسپاری و مراسم‌های مذهبی مربوط به مردگان بوده و تصور اقامت در این کاخ-آرامگاه‌ها بعید است (نقشه شماره ۱۲ و ۱۳).

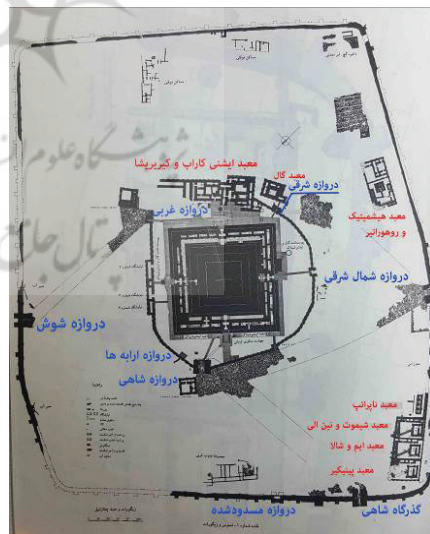
ذکر این موضوع که دروازه‌ها و دسترسی‌های دوراوتاش مرتبط با نوع مراسم و حجم جمعیت زائران، کاهش یا افزایش پیدا می‌کرده است، لازم است. این درها و دروازه‌ها در مقابل زائران دوراوتاش باز می‌شده و از سه حصار متحدالمرکز عبور می‌کرده‌اند. ورودی خارجی شهر مقدس، فقط از دو دروازه‌ای بود که در دیوار

جشن‌ها و مسیر حرکت مقدس دسته‌جمعی

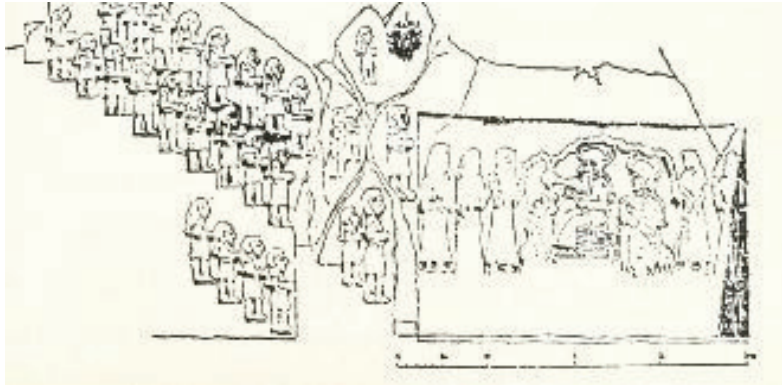
حرکت گروه‌های مذهبی، در حال حمل مجسمه خدایان، در سرتاسر بین‌النهرین شایع بوده است. اما این رژه‌ها در عیلام، حالتی عجیب و مخصوص به عیلامیان داشته است. مؤمنان که به‌وسیله سران مذهبی و برجستگان قوم و شاید حتی به‌وسیله خانواده سلطنتی هدایت می‌شدند، برای زیارت یک مکان مقدس به راه می‌افتادند. در این مکان‌ها، مجسمه‌های مذهبی و محراب‌ها و مذبح‌ها قرار داشت. قربانی‌ها انجام می‌شد و عبادت‌کنندگان پیشکش می‌دادند. مقصد مطلوب این‌گونه مسافرت‌های زیارتی، مکان‌های مرتفع یا معبد بلندی در شهر یا زیارتگاهی در قلّه یک کوه، در فاصله‌ای دور در روستا بود (هینتس، ۱۳۷۱: ۵۹). شرکت‌کنندگان در مراسم پرستش عیلامی، کاملاً با دو روش متفاوت خطاب و سکوت نیاپیش آشنا بوده‌اند. اولین روش متشکل بود از دراز کردن دست‌ها به‌سوی بالا در حضور خدای و احتمالاً ادای دعا در همان زمان. اگر فرد مؤمن در موقع زیارت هدیه‌ای نیز با خود همراه داشت، فقط دست راستش را بلند می‌کرد. روش سکوت را می‌توان در میان گروهی که روی پله‌ها قرار دارند دید. دست‌های آن‌ها به کمر بندهاشان روی هم قرار گرفته است (تصویر شماره ۸)، (هینتس، ۱۳۷۱: ۶۱).

شاه و ملکه که اطرافیان‌شان به‌دنبالشان بوده‌اند، بدون تردید از «دروازه مجلل و با شکوه شاهی»، (تصویر شماره ۹) وارد صحن می‌شده‌اند. به نظر می‌رسد پذیرفتن این فرضیه که یک کالسکه زوج شاهی را تا روی صحن برسانند، مشکل است. مسلماً شاه و ملکه پیاده از زیباترین دروازه می‌گذشته‌اند، سپس بلافاصله به خمره پر از آب مخصوص وضو، غسل و یا هر نوع طهارت و سه سکوی مخصوص هدایا و دو سکوی می‌رسیده‌اند که در کنار هم قرار داشته و مخصوص نشستن آن‌ها بوده است. کالسکه یا کالسکه‌هایی که به روی صحن زیگورات می‌رسیده، احتمالاً به‌نوعی مراسم «حمل روی چرخ‌ها» تعلق داشته‌اند. می‌توان فرض کرد که هنگام رسیدن به مقابل معبد «زیرین»، که

شاهی؛ دیگری که به‌صورت مسدود شده پیدا شد، در طرف جنوب شرقی است و «دروازه شوش» در طرف جنوب غربی قرار دارد. بنابراین، مؤمنان می‌توانسته‌اند از طریق هفت دروازه به صحن‌های اطراف زیگورات دسترسی پیدا کنند. در سه زاویه، این حصار سوم که برج را محاط می‌کرد، یعنی زوایای غربی، شرقی و شمالی، دروازه‌های معمولی وجود داشته است. دو دروازه دیگر نیز وجود داشته که یکی از آن‌ها بزرگ‌تر بوده و این همان دروازه شاهی است که مسلماً به شاه و اطرافیان او اختصاص داشته است. دروازه دیگر، دروازه ارابه‌ها یا کالسکه‌هاست که در ضلع جنوب شرقی و در نزدیکی دروازه شاهی بوده است. دروازه بسیار بزرگی نیز در وسط دیوار شمال شرقی قد علم کرده بود. آخرین دروازه، دروازه‌ای است که در دو طرف آن دو برج مجلل وجود داشت و دروازه به آن‌ها تکیه می‌کرد. این دو برج تنها برج‌هایی بودند که از آجر ساخته شده بودند. این دروازه بین دو نیایشگاه دو الهه بزرگ، ایشنی کاراب و کیرییرشا که مورد احترام خاصی بوده‌اند، برپا شده و به‌طرف صحن روبه‌روی دروازه شمال غربی پیش آمده بود (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۱۲۴)، (نقشه شماره ۱۴).



نقشه شماره ۱۴): موقعیت دروازه‌ها و معابد، محوطه باستانی چغازنبیل (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۳۴۹).



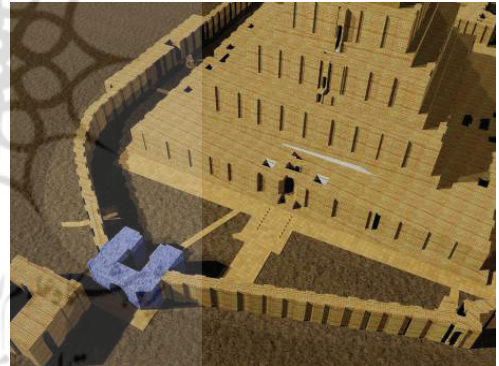
تصویر شماره (۸): روش سکوت
(هینتس، ۱۳۷۱: ۶۰)

مقدس) دوراوتناش یافت شده، یعنی کف‌سازی‌هایی که از زیگورات شروع می‌شدند یا به‌طرف آن رو می‌آوردند و آن را به معابد، کاخ‌ها و دروازه‌های حصار مربوط می‌کردند، نمی‌توانسته‌اند هدف غیر مذهبی داشته باشند. طواف‌های مقدس همراه با ذکر ادعیه در مذهب عیلامی وجود داشته است و این امر را کتیبه‌ای تأیید می‌کند. زائران به‌طرف دروازه بزرگ شمال شرقی «تمنوس» روی می‌آوردند و در آنجا به دروازه شمال شرقی حصار شهر می‌رسند تا از همین جا شهر را ترک کنند.

در جریان مراسم مربوط به جشن‌های بهاری که زیگورات و حمل شمایل خدایان ایفاگر نقشی بنیادین در آن‌ها بوده‌اند، حرکت دسته‌جمعی زائران دعاخوان به‌طرف بیت اکتیو یا خانه جشن‌ها هدایت می‌شده که مکانی خارج از شهر و حصار آن، و همیشه نزدیک به یک رودخانه و یا یک جریان آب قرار داشته است (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۱۴۴).

به نظر می‌رسد که در دوراوتناش نیز زیگورات، محل اجتماع خدایان و الهه‌ها بوده که پس از آن، در نزدیکی دروازه شمال شرقی تمنوس گرد می‌آمده‌اند. در مورد خدای ایشوشیناک باید گفت که او از معبد خود که در ضخامت طبقه اول برج زیگورات قرار داشته، خارج

مختص ظهور خدای ایشوشیناک بوده، این کالسکه یا اربه‌ها، مسئول حمل تمثال این خدا بوده‌اند (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۱۴۴-۱۴۳).



تصویر شماره (۹): طرح سه‌بعدی از دروازه شاهی چغازنبیل
(منبع: نگارندگان)

ساکنان قدیم بین‌النهرین و ایران جنوب غربی، جاده‌های خود را کف‌سازی نمی‌کرده‌اند. قدمت اولین راه‌های سنگ‌فرش و سازماندهی شده با تعدادی منزل یا ایستگاه، فقط به اولین امپراطوری جهانی می‌رسد که «هخامنشیان» آن را تشکیل داده و سازماندهی کردند. به این ترتیب، کف‌سازی‌هایی که روی تمنوس (محلّه

می‌شده و از کف‌سازی عریضی که در امتداد دیوار جنوب شرقی حصار صحن‌ها قرار داشته عبور می‌کرده تا به طرف دروازه شمال شرقی دیوار حصار تمنوس هدایت شود (تصویر شماره (۱۰))، (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۱۴۶: ۲).



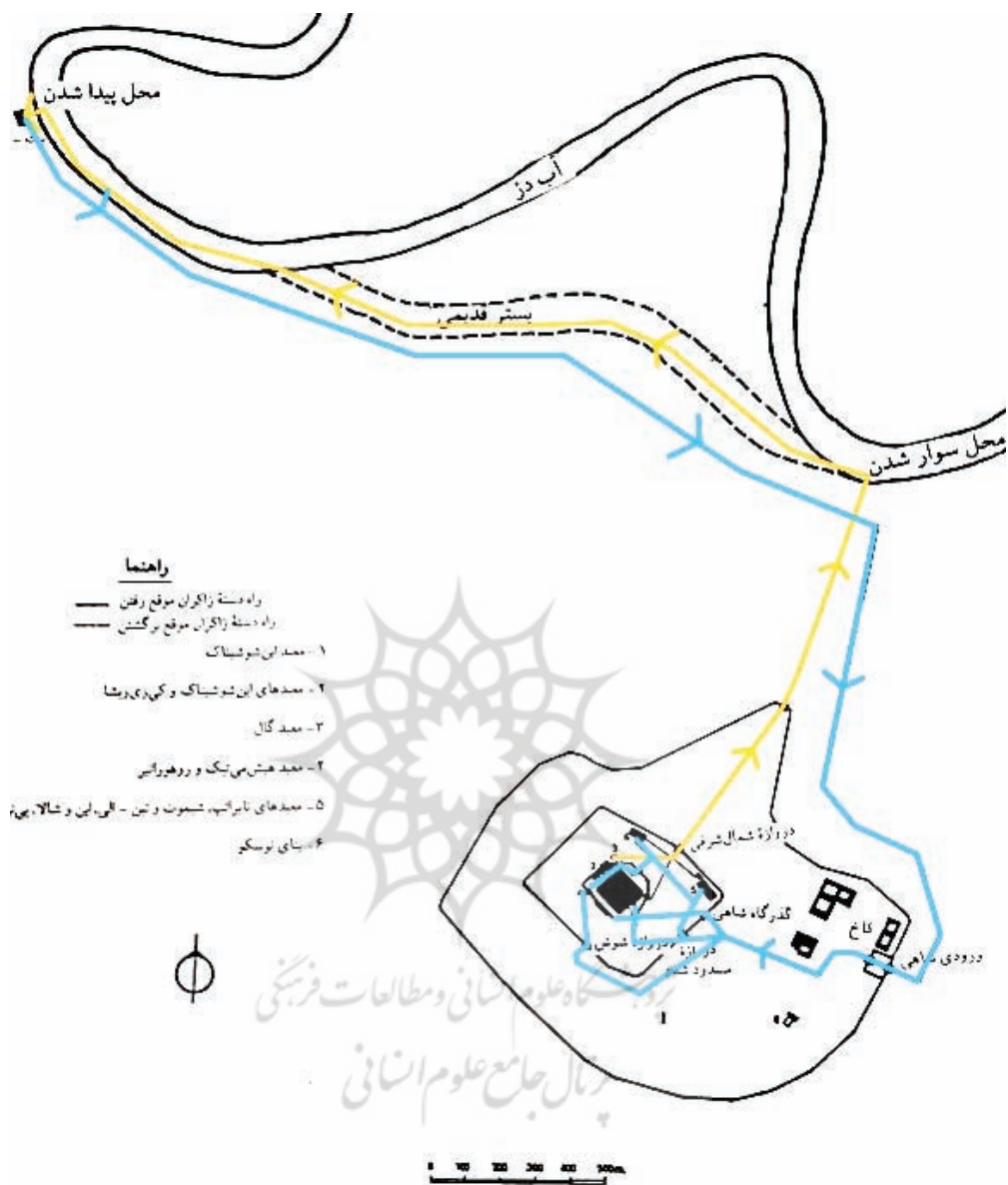
نقشه شماره (۱۵): کف‌سازی مربوط به مسیری شده از گذرگاه شاهی به دروازه شاهی توسط شاه (منبع: نگارندگان)

مراسم حرکت دسته‌جمعی همراه با ذکر ادعیه، باید از دروازه بزرگ شهر که در مقابل رودخانه قرار داشته، آغاز می‌شده و در آنجا به ساحل رود، ملقب به «ساحل مقدس» می‌رسیده است. در دوراوتناش این ساحل مقدس در حاشیه یک نهر قدیمی یا در حاشیه بازویی از رودخانه قرار داشته است. در آنجا باید تمثال خدایان را در قایق‌هایی قرار می‌دادند تا برخلاف جریان آب رودخانه آب دز، بالا روند. همه خدایان و انسان‌ها در فضائی مملو از آزادی در تماس مستقیم با طبیعت که جریانی باطراوت از زندگی را بر آن‌ها می‌دمید، نیرویی تازه می‌گرفتند که رودخانه کاملاً نزدیک، تضمینی

برای این نیرو بود (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۱۴۷). با توجه به آثار باقی‌مانده از دوراوتناش، برپا کردن رسمی جشن اکتیو، جز با حضور شاه امکان‌پذیر نبوده است (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۱: ۸۱).

راه و مسیر بازگشت این حرکت دسته‌جمعی به طرف شهر و مأوای خدایان، از همان راه رفت نبوده و هرچند این حرکت، در کلیت خود حالت دورگردی و طواف نداشته، باین‌حال، مهم‌ترین بناها را دور می‌زده است. همه مردم نه از طریق آب، بلکه از مسیر خشکی و با صعود به پشته‌ای که شهر روی آن ساخته شده بود، از طریق مقابل زاویه شرقی حصار خارجی، به شهر بازمی‌گشتند و پس از اینکه مسیر اندکی را در امتداد دیوار جنوب شرقی شهر تا «ورودی شاهی» طی می‌کردند، وارد دروازه بزرگ و سپس وارد «دروازه شاه» یا «دروازه عدالت» می‌شدند. به محض پشت‌سر گذاشتن «ورودی شاهی» نیز وارد قسمت شاه‌نشین شهر می‌شدند. برای داخل شدن به تمنوس و در آنجا رسیدن به معابدی که در قسمت‌های مختلف این حیاط وسیع جا داشته، به نظر می‌رسد که حرکت دسته‌جمعی ذاکران باید تقسیم می‌شده و مسیرهای مختلفی را در پیش می‌گرفته است. از بین چهار دروازه‌ای که در دیوار حصار محله مقدس تعبیه شده، بزرگ‌ترین آن یعنی دروازه شمال شرقی که حرکت دسته‌جمعی ذاکران از طریق آن تمنوس را ترک کرده بود، برای بازگشت باید از مسیر حذف شود؛ زیرا چنین به نظر می‌رسد که هنگام بازگشت به شهر مقدس از این در عبور نمی‌کرده‌اند. بنابراین، برای عبور مردمی که از جنوب شرقی می‌آمدند، سه دروازه دیگر باقی می‌ماند: دو دروازه که در دیوار جنوب شرقی باز می‌شده و یکی که در دیوار جنوب غربی تعبیه شده بود (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۱۴۸).

«گذرگاه شاه» که برای عبور جمعیت چندان راحت نبود، ظاهراً مختص عبور شاه بوده که تمثال خدای ایشوشیناک را همراهی می‌کرده است. این نظریه را کشف کف‌سازی‌ای تأیید می‌کند که این دروازه را مستقیماً به «دروازه شاهی» حصار صحن‌ها متصل می‌کرد (تصویر شماره (۱۱)).

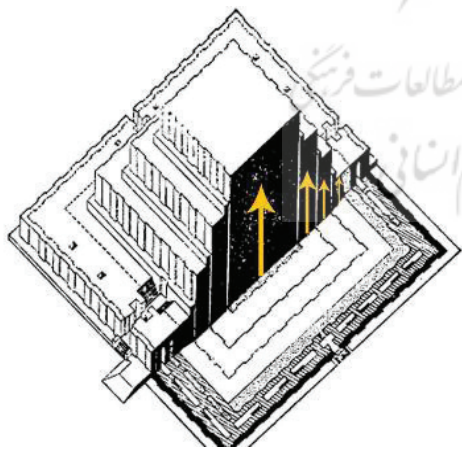


تصویر شماره (۱۰): سیر حرکت رفت و برگشت زائران به بیت اکتیو
 (منبع: گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۱۴۵) رنگ آبی رفت و رنگ زرد برگشت را نشان می‌دهد.

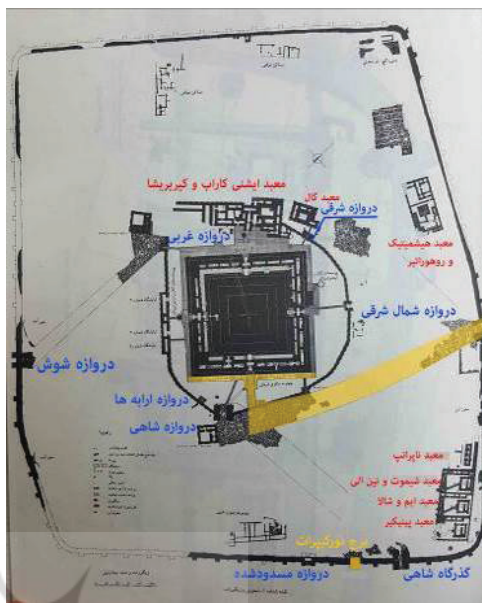
حیاط‌های این معابد، باید مراسمی ذکرگویان و در حال طواف به دور بناها جریان داشته باشد؛ درست نظیر آنچه در اطراف زیگورات وجود داشته است. چون در اطراف بنای مرکزی کف‌سازی از آجر شکسته حفظ شده بود (معبد شیموت و نین الی)، (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۳۴).

کف‌سازی‌هایی که در روی تمنوس دوراوتناش پیدا شدند نمی‌توانسته‌اند هدفی غیر مذهبی داشته باشند. این امر را کتیبه‌ای تأیید می‌کند که برای تمثال خدای اینشوشیناک معبدی برپا کرده‌اند که دارای یک راه کف‌سازی شده برای حرکت دسته‌جمعی همراه با ذکر و دعاست. این کف‌سازی‌ها می‌طلبند که راه‌ها و مسیرهای حرکت دسته‌جمعی زائران دعاگو باشند (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۱۴۴).

به نظر نگارندگان، تفاوت عرض طبقات به این علت بود که اجرای زیگورات برخلاف آنچه همیشه اتفاق افتاده، بر مبنای یک نقشه عمودی بنا شده است؛ به این معنی که هر طبقه از روی زمین آغاز شده و بالا رفته است. کم شدن ابعاد هر طبقه تا رسیدن به طبقه پنجم، به ایجاد حس تقدس و احترام برای معبد اعلی کمک می‌کند؛ علاوه بر این، سبک شدن بنا در ارتفاع، صعود به آسمان را در ذهن تلقی می‌کند (تصویر شماره ۱۲).



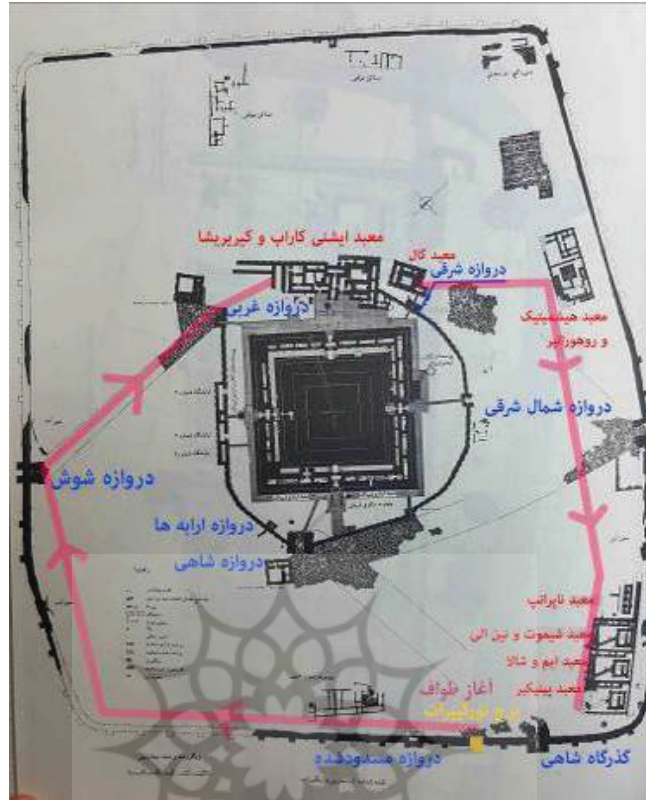
تصویر شماره ۱۲: ایجاد طبقات فوقانی از روی زمین (هینتس، ۱۳۷۱: ۲۰۴)



تصویر شماره ۱۱: کف‌سازی مربوط به مسیری طی شده از معبد اینشوشیناک به دروازه شمال شرقی (منبع: نگارندگان)

خدایانی که معابد آن‌ها در زاویه شرقی تمنوس قرار داشتند و خدایانی که در نیاپشگاه‌های طول دیوار شمال شرقی آن ساکن بوده‌اند، احتمالاً از دری می‌گذشته‌اند که بعداً مسدود شده است. بین این در و «گذرگاه شاهی»، برج مستحکم نورکیپرات، نور ناحیه‌های جهان برپا شده بود، برجی که با غنای بسیار با گل میخ‌های پایه‌پهن و گل میخ‌های ساده، همگی لعاب‌دار و درخشان در زیر اشعه خورشید تزیین شده بود (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۱۴۹-۱۴۸). قسمت اعظم دسته‌ذاکران در زیر این برج حرکت می‌کرده، و این دسته پس از گذشتن از دروازه «مسدودشده»، از روی کف‌سازی شناخته شده، در طول وجه درونی حصار جنوب شرقی تمنوس، عبور می‌کرده تا به معابد مجموعه‌های شرقی و شمال شرقی برسد (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۲: ۱۴۹). (نقشه شماره ۱۵).

در اطراف هر یک از این سه بنای به‌پاخواسته در میان



نقشه شماره (۱۵): روند طواف زائران (منبع: نگارندگان)

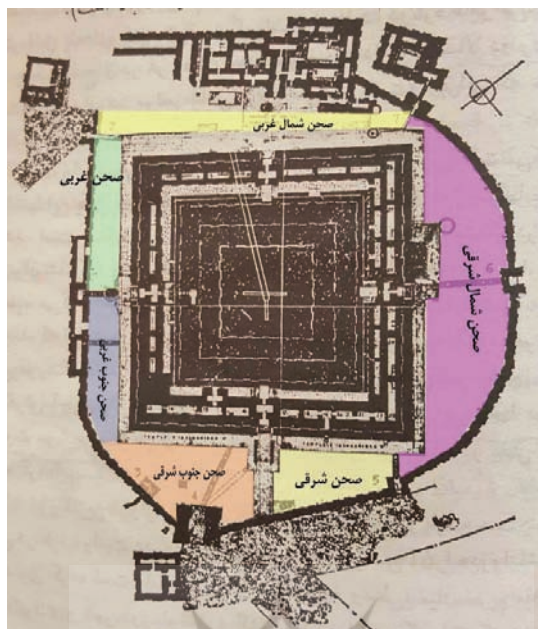
را حفظ کرده است، باعث شگفتی است. هیچ نوع نشستی و هیچ نوع جابه‌جایی حتی در یک خشت آن دیده نمی‌شود و هیچ چیزی از جای خود بلند نشده است.

صحن‌ها، دیوارها و دروازه‌های آن‌ها

در تمام اضلاع زیگورات، صحن‌های وسیعی با ابعاد و اشکال و سامان‌دهی‌های بسیار متفاوت وجود داشته که همگی درون یک حصار با هفت دروازه محصور شده است (نقشه شماره ۱۱۶).

درحالی‌که صحن شمال شرقی وسیع‌ترین صحن است، صحن جنوب غربی کوچک‌ترین آن‌ها را تشکیل می‌دهد. صحن‌های شمال غربی و جنوب غربی، بیشتر شکل مستطیل بوده، درحالی‌که صحن‌های شمال

با حرکت از صحن به‌طرف مرکز زیگورات، ضخامت حجم‌هایی که همه از کف زمین شروع شده‌اند و هرکدام یکی از طبقات زیگورات را تشکیل می‌دهند، دیده می‌شود. در طول مسیر، شیوه‌های ساختمانی این حجم‌ها، بافت و دوخت و پیوند آن‌ها به یکدیگر، مصالح به‌کاررفته در هر یک از آن‌ها، مهارت‌هایی که مهندسان و معماران عیلامی هزاره دوم قبل از میلاد داشتند، شناخت آنان درباره فشار حجم‌های خشتی، تجربه آن‌ها در مورد چگونگی استفاده از مواد و مصالح گوناگون، محاسبه‌های دقیق و حاصل کار آن‌ها، با وجود بیش از سه هزار سالی که از عمر این کار می‌گذرد و هنوز هم تمام ساخت‌وساز و سازه‌های درونی خود



نقشه شماره (۱۶): صحن‌ها (گرافیک: نگارندگان)



نقشه شماره (۱۷): روند طواف زائران (منبع: www.choghazanbil.ir)

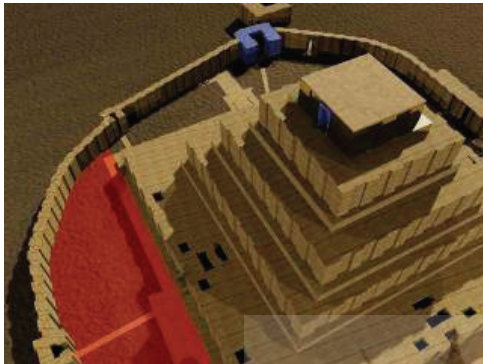
وسیع انبوه جمعیت را در این مکان‌ها به زیگورات نزدیک سازند. طول چهار وجه سکوی طبقه اول، از یک «پیاده‌رو» کف‌سازی شده با خشت‌هایی زیبا و سالم تشکیل شده

شرقی و جنوب شرقی شکلی مدور دارند. در حواشی زوایای زیگورات، صحن‌ها به باریک‌تر شدن تمایل دارند؛ این جمع‌شدگی مسلماً همراه با اندیشه و تعمد بوده و سازندگان به دنبال آن بوده‌اند که گستردگی‌های

که بدون تردید یادآور یک «راه حرکت دسته جمعی برای ذکر» و طواف به دور زیگورات است. راه‌های حرکت دسته جمعی ذاکران، به مناسک مذهبی عیلامی مربوط می‌شود و این امر را می‌توان از متون شاهانه دریافت؛ کتیبه‌ای از شاه کوتیر-ناهوته و پسرش تمتی-آگوندیت که به علامت اینشوشیناک، الهه معبدی بنیاد گذاشتند که راهی فرش کرده برای حرکت دسته جمعی ذاکران داشت (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۱: ۸۵)، (نقشه شماره ۱۷)).

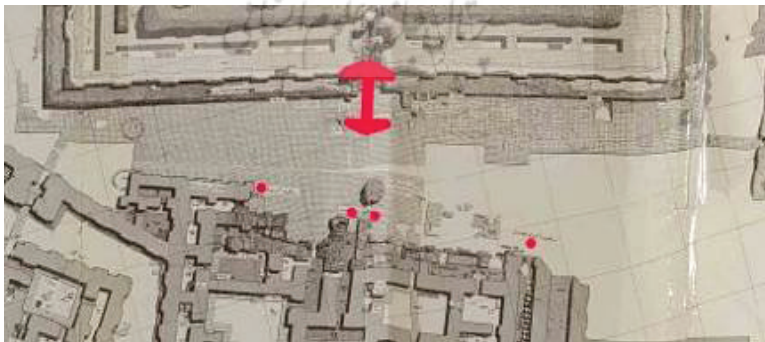
صحن شمال شرقی مسلماً به حرکت مؤمنان، غیر روحانیان یا پیشوایان آیین و در مجموع، طواف جمعیتی انبوه که نظیر آن در هیچ‌یک از صحن‌های دیگر جمع نمی‌شده، اختصاص داشته است. اهمیت این صحن شاید از این موضوع نشئت می‌گیرد که در مقابل مدخل معبد اعلی قرار گرفته است و همین امر نیز شاید توانسته است خود را بر سازندگان بنا در مورد جهت‌گیری برج تحمیل کند. فرضیه اختصاص این صحن به طواف، از حضور یک پودیوم (سکویی به صورت دیوار، دور یک تماشاخانه ساخته می‌شده و بزرگان بر آن قرار می‌گرفته‌اند) نشئت می‌گیرد. همچنین همین اشخاص می‌توانسته‌اند، بعد از مراسمی که در بالا و اطراف برج جریان داشت، روی این پودیوم گرد هم آیند تا از آنجا روی وسیع‌ترین صحن سرازیر شوند. اگر پشت‌سر این مراسم، مراسم دیگری در خارج حصارهای شهر مقدس جریان داشت، یا اگر حرکت دسته جمعی ذاکران باید

به طرف رودخانه هدایت می‌شد، قسمت اعظم حاضران و یا همه آن‌ها باید از طریق این دروازه شمال شرقی صحن‌ها و در جهت بزرگ‌ترین دروازه حصار تمنوس، که درست در روبرو قرار دارد، حرکت می‌کردند. (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۱: ۸۸)، (تصویر شماره ۱۳)).

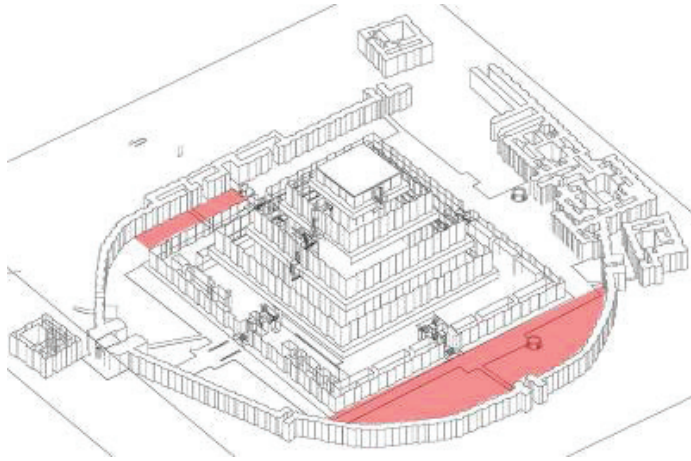


تصویر شماره ۱۳): بخشی از صحن شمال شرقی در مقابل مدخل معبد اعلی (منبع: نگارندگان)

صحن شمال غربی تنها صحنی است که در خارج از «راه حرکت دسته جمعی ذاکران» در تمام طول نمای دو معبد کف‌سازی شده است. سه سکوی مربوط به هدایا از آجر لعاب‌دار در روی این صحن وجود دارد. سکوی چهارم در جوار مدخل معبد شرقی الهه کری ریشاست. دو عدد از این سکوها در مقابل دروازه زیگورات هستند (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۱: ۸۹)، (تصویر شماره ۱۴)).



تصویر شماره ۱۴): سکوهای آجری صحن شمال غربی (گرافیک: نگارندگان)



تصویر شماره (۱۶): صحن شمال شرقی و جنوب غربی (منبع: نگارندگان)

صحن شمال شرقی با دیواری که به صورت بخشی از یک دایره است و سطح آن اضافه شده، نشان می‌دهد که هدف از آن پذیرا شدن تعداد زیادی شرکت‌کننده برای طواف و نیایش بوده است. در مقابل، تنگی صحن جنوب غربی این احساس را زنده می‌کند که در اینجا فقط امکان یک نیایش و طواف کاملاً محدود وجود داشته است. به نظر می‌رسد که هدف از ساختن هر دو صحن، گردش‌هایی بوده که رابطه تنگاتنگی با خود زیگورات، طبقات آن و صعودهای آن داشته است (تصویر شماره (۱۶)).

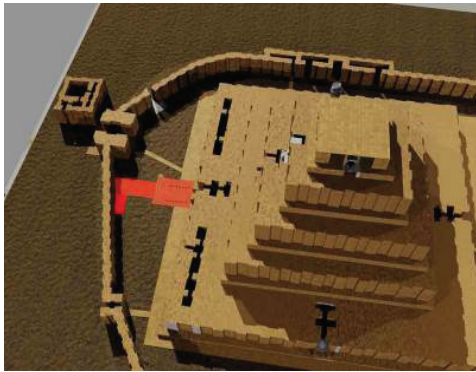
با توجه به شکل و ساماندهی صحن جنوب شرقی، می‌توان دریافت که کاربری این صحن با صحن قبلی کاملاً متفاوت است: این صحن برای طواف نبوده و اغلب برای مراسم وزین و موقرانه، عملیات شکرانه و برای قربانی‌ها به کار گرفته می‌شده است. در حقیقت، فعالیت‌هایی که الزاماً مستلزم جابه‌جایی تعداد زیادی از افراد نبوده و این افراد وارد زیگورات نمی‌شوند، اما در تقدیس و بزرگداشتی همکاری می‌کنند که توسط مردان خدا به عمل می‌آید (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۱: ۱۰۲-۱۰۳). «دروازه شاهی»، دیوار حصار صحن جنوب شرقی را بریده و به دو بخش تقسیم کرده است که هرکدام از آن‌ها جهتی مخصوص به خود دارند. «دروازه شاهی»

اهمیت صحن جنوب شرقی شاید بیشتر از صحن شمال شرقی بوده؛ زیرا صعود به معبد اعلی از همین صحن شروع می‌شده است. این صحن نیز مانند دیگر صحن‌ها در سرتاسر طول طبقه اول زیگورات دارای کف‌سازی «راه دسته‌جمعی ذاکران» بوده است (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۱: ۹۲)، (تصویر شماره (۱۵)).



تصویر شماره (۱۵): صحن جنوب شرقی و صعود به معبد اعلی (منبع: نگارندگان)

در دیوار حصار جنوب غربی به موازات وجه زیگورات، با طرح پیش‌آمدگی‌ها و پسر رفتگی‌ها و باز هم با همان ابعاد ادامه می‌یابد. در مقابل آن چهار عدد خمره یافت شده که مخصوص تطهیر و غسل بوده‌اند (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۱: ۹۷).

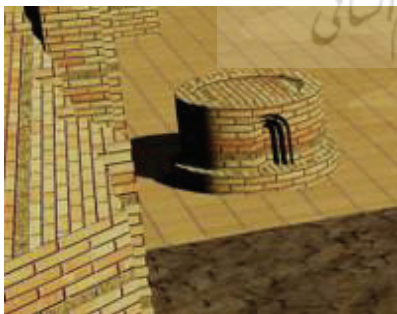


تصویر و نقشه شماره (۱۷): کف‌سازی از پلکان دروازه جنوب شرقی تا دروازه شاهی (منبع: نگارندگان)

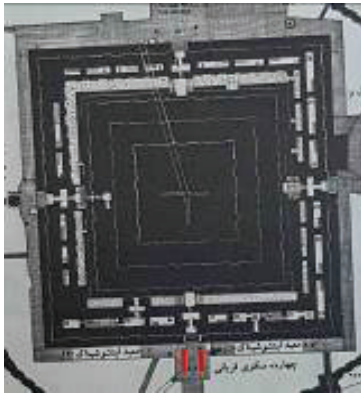
وسیع را به «دروازه شاهی» متصل می‌سازد (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۱: ۱۰۳)، (تصویر و نقشه (۱۷)). احتمالاتی وجود دارد که سه پیشخوان مناسک مذهبی عیلامی، به‌هیچ‌وجه با پیشخوان‌های مناسک مذهبی آکدی تفاوتی نداشته‌اند. اگر این چنین باشد، آنچه در روی صحن جنوب شرقی دوراوتناش کشف شده، در این قسمت نزدیک به زیگورات جای داشته است؛ چراکه در این محل، هم مراسم مربوط به تقدیم هدایا و هم مراسم مربوط به انجام قربانی انجام می‌شده و هر دو در یک زمان بوده است (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۱: ۱۰۶)، (تصویر شماره (۱۸ و ۱۹)).

در مقابل پلکان دروازه زیگورات، روی وسیع‌ترین قسمت سرایش کف‌سازی شده، در دو ردیف، ۱۴ سکو به ارتفاع ۲۵ سانتی متر از خشت پخته، با

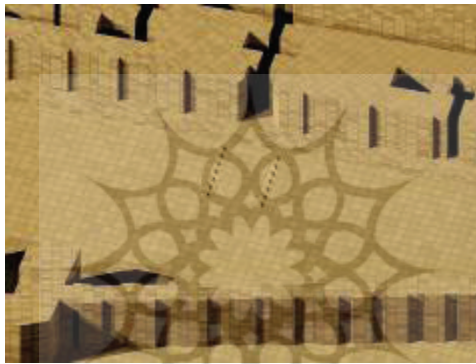
که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین بنای این حصار است، این احساس را برمی‌انگیزد که برای ایجاد پهنای بیشتر در صحن و جای بیشتر برای مراسم مورد نظر برپا شده است. در این صحن نیز مانند سایر صحن‌ها، کف‌سازی دور تا دور سکو چرخیده است. کف‌سازی دیگری که بسیار پهن و اندکی شیب‌دار است، از پلکان دروازه جنوب شرقی زیگورات به بعد گسترش می‌یابد و به طرف دیوار حصار ره می‌برد. این کف‌سازی در نیمه راه تنگ می‌شود و با رسیدن به دیوار حصار، در یک سطح مستطیلی در طول این دیوار امتداد می‌یابد. تمام گستره صحن، دارای کف‌سازی از جنس خشت شکسته است؛ به استثنای دو راه که به عرض چهار خشت با خشت سالم کف‌سازی شده‌اند که یکی از آن‌ها «راه حرکت دسته‌جمعی ذاکران» بوده و دیگری کف‌سازی



تصویر شماره (۱۸) و (۱۹): تریبون (منبع: نگارندگان)



تصویر شماره (۲۰) و نقشه شماره (۱۹): سکوی قربانی (منبع: نگارندگان)



تصویر شماره (۲۱): سکوی قربانی (منبع: نگارندگان)

کار می‌رفته که به افتخار خدایان می‌نوشیدند و بقیه جام را به زمین می‌ریختند (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۱: ۱۰۷).

۱۰- صحن جنوب شرقی و مراسم و مناسک مذهبی

صحن جنوب شرقی عناصری در خود دارد که بعضی از آن‌ها به ترکیه و هدایا و بعضی دیگر به قربانی‌ها و مراسم جرعه‌افشانی بر خاک اختصاص دارد. همه این مراسم‌ها، در حضور زوج شاهانه انجام می‌شده و برای این زوج، دو سکو در نظر گرفته شده بود که احتمالاً در هنگام تاج‌گذاری در روی آن جلوس می‌کردند (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۱: ۱۰۹). زوج شاهانه به محض عبور از «دروازه شاهی»، در مقابل خمره بزرگی قرار

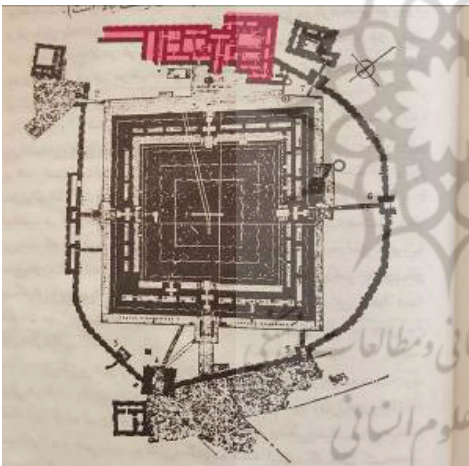
دیواره‌های شیب‌دار برای قربانی‌های خونین در نظر گرفته شده است. خون قربانیان به طرف خمره‌ای جاری می‌شده که در وسط کف‌سازی و در زیر آن تعبیه شده بود (تصویر شماره (۲۰ و ۲۱) و نقشه شماره (۱۸)).

راه حرکت دسته‌جمعی ذاکران در امتداد مصطبه ادامه می‌یابد. در نزدیکی حجم کوچک آجری واقع در حاشیه طرف راست پلکان، که احتمالاً سکو یا پیشخوان بوده، چاهی در کف‌سازی این راه وجود داشته است. زاویه سکوی آجری به حاشیه این چاه می‌رسد و قسمتی از آن را می‌پوشاند. در کنار این چاه، حفره‌ای دیده می‌شود که در زیر کف‌سازی با چاه ارتباط پیدا می‌کند. این حفره محل استقرار ظرفی بوده که برای جمع‌آوری مایعی به

از این سه معبد، دارای چند حیاط و چند عبادتگاه و انبار و اتاق‌های متعدد هستند. در اتاق مرکزی معبد ایشنی کاراب، یک قربانگاه هست (واندنبرگ: ۷۲-۷۱؛ و آمیه، ۱۳۴۹: ۵۵). حصار درونی سایر معابد را در خود جای داده بود. تعداد زیادی از این معابد محل انجام تشریفات مذهبی بوده‌اند (آمیه، ۱۳۴۹: ۵۶)، (نقشه شماره ۲۰).



تصویر شماره (۲۲): کتیبه آیینی (منبع: نگارندگان)



نقشه شماره (۲۰): موقعیت معابد ایشنی کاراب، هوبان و کیریپشا (منبع: گرافیک: نگارندگان)

براساس اطلاعات به دست آمده از کتیبه‌های موجود، اونتاش هوبان به غیر از این معبد، معابد دیگری برای خدایان گوناگون ساخته بود. در کنار برخی از معابد، کارگاه‌هایی یافت شده که عده‌ای از صنعت‌گران در آن‌ها هدایایی از طلا، نقره و مفرغ به شکل‌های گوناگون

می‌گرفتند که برای تزکیه در نظر گرفته شده بود و در کنار آن سه پیشخوان مخصوص هدایا قرار داشت. پس از انجام مراسم، شاه و ملکه روی دو سکو جلوس می‌کردند؛ بنابراین، این دو «تخت»، دارای ابعاد مشابه نیستند و سکوی کوچک‌تر در کنار سکوی بزرگ‌تر قرار نگرفته و اندکی عقب‌تر است. در عین حال که ملکه در تمام مراسم و تشریفات رسمی شرکت می‌کرد، همواره در پشت سر شاه جای داشت. گمان می‌رود در آن لحظه حیواناتی که از «دروازه اراه‌ها» آورده می‌شدند، بر روی چهارده سکوی قربانی، در حضور شاهانه قربانی می‌شده‌اند. شاه عیلام و همچنین ملکه در متون، به مثابه هدیه‌کنندگان شناخته شده و پذیرفته شده بود که قربانی کردن حیوانات در مقابل تاج پادشاه یا در مقابل مجسمه او انجام گیرد. پس از قربانی حیوانات، زوج شاهانه به طرف ظرف مربوط به جرعه‌نوشی و جرعه‌افشانی بر خاک و نهایتاً به سوی معبد اینشوشیناک (رج: نقشه شماره ۱۴) رهسپار می‌شدند. در آنجا در مقابل پلکان کوچکی که قبل از ورود به نیایشگاه، باید به زحمت از آن بالا رفت، محرابی وجود داشته که از همه سکوهای ساخته شده از آجر لعاب‌دار که در روی تمام صحن‌ها ساخته شده، بهتر حفظ شده است. هدف از ساختن این محراب مشخص نیست (گیرشمن، ۱۳۷۵: ۱: ۱۰۹). مدخل معبد بسیار نزدیک است. چنانکه پذیرفته شده، این مکان، جای ظهور الهه بزرگ است که تندیس او باید در روی سکو و در مقابل مدخل بوده و حضورش در مجمعی برپا می‌شده که با توجه به تنگی اتاق‌هایی که این نیایشگاه را تشکیل می‌دهند، ظاهراً خیلی محدود بوده است. شاه و ملکه ظاهراً غیر از چند روحانی عالی مقام و چند تن از نزدیکان، نمی‌توانسته‌اند شخص دیگری را در کنار خود داشته باشند (گیرشمن، ۱۳۷۵: ۱: ۱۱۰). غیر از بنای اصلی زیگورات، چند معبد دیگر نیز در کنار آن قرار دارد. در اطراف زیگورات سکویی وجود داشته که با آجر فرش شده است. در قسمت مقدسی که همین سکو حدفاصل آن با زیگورات است، سه معبد به نام‌های ایشنی کاراب، هوبان و الهه کیریپشا در طرف شمال غربی زیگورات واقع شده است. هرکدام

و مجسمه‌هایی از سفال می‌ساختند و آن‌ها را به زائران برای تقدیم به خدایان می‌فروختند (سلطان‌زاده، ۱۳۶۲: ۵۵). مجموعه مقدس در مرکز شهر واقع بوده و اداره‌های حکومتی در ضلع شرقی و جنب دروازه اصلی شهر موسوم به «دروازه شاهی» قرار داشته است (سلطان‌زاده، ۱۳۹۰: ۵۸).

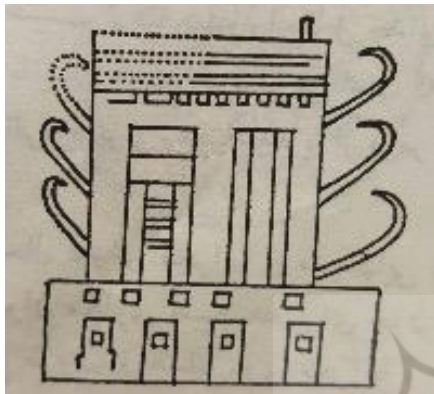
کتیبه‌های آیینی

«من، اونتاش گال، پسر هوبانومنا، شاه انزان و شوش، یک صحن محصور، آن چیزی که شاه قدیمی و جانشینان آن‌ها نشناختند، من ساختم. این معبدها را ساختم؛ حصاری قرار دادم، خارج و داخل، من زیگورات را به سوی آسمان برافراشتم؛ آن را به خدای اینشوشیناک (رب) مکان مقدس هدیه کردم» (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۳: ۷۷). دروازه شاهی و دروازه شوش که کتیبه‌های ما از آنجا پیدا شده‌اند، به میدانگاه وسیعی باز می‌شوند که راه‌های طواف و حرکت دسته‌جمعی زائران دعاخوان آن‌ها را منحط کرده و در بین دو حصار اول و دوم واقع شده است (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۳: ۷۷).

«من، اونتاش گال، پسر هوبانومنا، شاه انزان و شوش، در طول سال‌ها و روزها سلطنتی طولانی به دست آوردم، از سلامتی برخوردار هستم، به همین دلیل معبدی برای الهه کیریریشا در بیشه ساختم و آن را به الهه کیریریشا هدیه کردم» (گیرشمن، ۱۳۷۵، ۳: ۸۸). «من، اونتاش گال، پسر هوبانومنا، شاه انزان و شوش، معبد پی‌نیکیر را با طاق‌های آجری ساختم؛ مجسمه‌ای طلایی از پی‌نیکیر را در آن برپا کردم. باشد که کارها و اعمال من به‌عنوان هدیه مورد قبول پی‌نیکیر بانوی مکان مقدس قرار گیرد» (تصویر شماره ۲۲).

جالب‌ترین ویژگی معابد ایلامی، وجود سه شاخ بزرگ است که در هر طرف دیوارهای معبد نصب می‌شد. سنگ‌نبشته‌های ایلامی میانه، ثابت می‌کند که این شاخ‌ها -اول جزء مهمی از هر معبد را تشکیل می‌دادند؛ زیرا نماد الوهیت بودند (هینتس، ۱۳۷۱: ۴۶)، (تصویر شماره ۲۳).

محتویات مهرهای استوانه‌ای و آنچه در آن‌ها نشان داده شده، دارای بیان و اشاره‌های مذهبی است (پورادا،



تصویر شماره (۲۳): شاخ در نمای معابد

(منبع: هینتس، ۱۳۷۱: ۶۵)

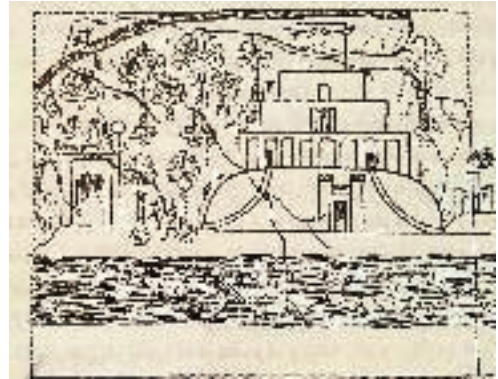


تصویر شماره (۲۴): مناسک عیلام

(منبع: پودارا، ۱۳۷۵، ۴: ۴۵)

آنچه از منابع بر می‌آید این است که آئین آن‌ها بیشتر حاکی از توجه به طبیعت بوده است (تصویر شماره ۲۵). نقوشی از این خدایگان یافت شده که برخی از آن‌ها در سر شاخی دارند که نشانه قدرت ایشان است.

در فرهنگ ایران زمین، در زمان‌های بعد نیز تصاویر و نقوشی از پهلوانان قهرمانی و یادبودها مشاهده می‌شود که دارای شاخ بوده‌اند؛ چنانچه عده‌ای «ذوالقرنین» را صاحب دو شاخ معنا کرده‌اند که حکایت از اقتدار او دارد (سلطان‌زاده، ۱۳۶۲: ۵۶-۵۵).



تصویر شماره (۲۵): زیگورات و ارتباط با طبیعت

(منبع: هینتس، ۱۳۷۱: ۱۸۳)

یافتن مراسم، از مسیر متفاوتی به محوطه زیگورات بازمی‌گشتند. گفتنی است، در تمامی مراحل انجام مناسک، حضور شخص شاه ضروری بوده است. شهر دور اونتاش با وجود سه حصار که به دور خود دارد و با توجه به طبیعت مقدس اطراف این مرکز زیارتی بزرگ، هیچ‌گاه به‌عنوان شهری بسته و رمزآلود به نظر نمی‌رسید. مؤید این ادعا، نبود استحکامات خاص دفاعی، خندق‌ها، درهای مخفی، معابر پرپیچ‌وخم و برج و باروی دیدبانی است.

زائران علاوه بر طواف به دور زیگورات، تمامی معابد کوچک اطراف زیگورات را نیز به ترتیب زیارت می‌کردند. از سویی زیارت معبد اعلی در طبقه پنجم بنا، تنها توسط شاه و ملکه و تعدادی از کاهنان از طریق راه‌پله‌هایی با گردش به دور بنا انجام می‌شد. نکته قابل توجه اینکه کلیه مراسم‌های مذهبی عیلامیان با پای پیاده صورت می‌گرفته و مستقل از طبقه اجتماعی زائر بوده است.

با توجه به بررسی مسیرهای کف‌سازی شده برای عبور انسان، می‌توان نتیجه گرفت که برخلاف بسیاری از نمونه‌های معماری که در آن، بنا و معمار بنا حائز اهمیت هستند، در معماری زیگورات چغازنبیل، به حضور انسان به‌عنوان عنصر مهم‌تر در فضا توجه شده است. توجه به محل و چگونگی عبور زائران، اعم از شاهی و غیرشاهی در فضای مقدس معبد، خود نشانگر آن است که انسان عیلامی فارغ از طبقه اجتماعی‌اش، تا چه حد در معماری عیلام و در نظر معمار عیلامی اهمیت داشته است. از سویی وجود این کف‌سازی‌ها علاوه بر بهبود خوانایی بناهای مختلف معابد، در کوتاه کردن دسترسی‌ها نیز نقش داشته که نشان دیگری از توجه به انسان است.

در مورد شباهت‌ها و تفاوت‌های انجام مناسک مذهبی در باریان و مردم عادی، باید گفت؛ اول اینکه، چنانچه در بالا ذکر کردیم؛ پیاده انجام شدن مناسک برای همه اقشار وجود داشته و خود نوعی

نتیجه‌گیری

بنابر گفته‌های متن مقاله، بیشترین حجم مدرک‌ها و مستندها از دوره‌های پیش از مادها به تمدن عیلامی اختصاص دارد. در این نوشتار، با بررسی زیگورات چغازنبیل و محوطه‌های اطراف آن به دنبال پاسخ به سه پرسش بوده‌ایم. نخست، در پاسخ به اینکه انسان عیلامی در حریم زیگورات چغازنبیل در چه مناسکی شرکت می‌کرد و چه فضاها و سلسله‌مراتبی را طی می‌کرد، باید گفت که عیلامیان با ورود به محدوده چغازنبیل، پس از عبور از دروازه‌ها و ورود به صحن، به انجام مناسکی مانند تطهیر و غسل، قربانی، دعا، شرکت در مراسم سخنرانی و طواف‌های مقدس همراه با ذکر ادعیه می‌پرداخته‌اند. آن‌ها طی مراسمی با پای پیاده و از طریق خشکی به سمت بیت اکتیو حرکت کرده و مجسمه خدایان را نیز سوار بر کالسکه‌ها برای شست‌وشو به آنجا می‌بردند. سپس تمثال خدایان را در قایق‌هایی می‌گذاشتند و بر خلاف جریان آب بالا می‌بردند؛ و با پایان

منابع


- شباهت و توجه به همهٔ اقشار است. همچنین، عبور از سردر ورودی مجلل شاهی، برای مردم عادی هم امکان‌پذیر بوده است. مردم با عبور از این سردر، به صحن جنوب شرقی وارد می‌شدند و هدایا، نذورات و قربانی‌های خود را تقدیم می‌کردند و به ادامهٔ مناسک می‌پرداختند. تفاوت در فضای مورد نیاز برای درباریان و مردم عادی از لحظهٔ ورود به محوطه با افتراق ابعاد، تناسبات و فرم صحن‌ها قابل تشخیص است، آن‌گونه که صحن شمال شرقی با بیشترین مساحت و حصار منحنی آن، محل تجمع مردم عادی بوده است. شایان ذکر است، نفوذ و سلطهٔ روحانیان معبد بر عیلامیان، باعث می‌شد مردم عامی اجازهٔ حضور در زیگورات، زیارت مستقیم معبد ایشوشیناک، عبور از پله‌ها و رسیدن به معبد اعلی را نداشته باشند. طراحی پله‌ها و ابعاد و اندازه‌های آن نیز نشان می‌دهد که این مسیر برای تعداد محدودی در نظر گرفته شده است.
- در مورد پرسش سوم، تدفین در کاخ-آرامگاه‌های زیرزمینی محوطهٔ چغازنبیل و انجام مراسم مذهبی برای مردگان، تنها محدود به شاه و اطرافیان نزدیکش بوده است. بر روی آرامگاه‌های زیرزمینی، تالارهای طویل و مجللی برای پذیرایی از افرادی که در این مراسم شرکت می‌کردند وجود داشته است. حفاری‌های این کاخ-آرامگاه‌ها، وجود کانال‌های آب در کنار مقبره‌ها را تصدیق می‌کنند. با توجه به اینکه حضور آب در هر بخش از معماری عیلامی دلیلی مذهبی داشته است، گمان آن می‌رود که وجود آب به جهت غسل مردگان یا انجام مراسم مذهبی در آنجا بوده است. همچنین حفاری‌های مقبره‌های مردگان عیلامی نشان می‌دهد، تدفین با کوزه‌های گلی، آب و غذا صورت می‌گرفته است. در باور عیلامیان، مردگان در حیات جدید خود در سرایی دیگر، به وسایلی که همراه آن‌ها در قبرها می‌گذاشتند، نیازمند می‌شدند.
۱. استو، ماری جوزف. (۱۳۷۵). چغازنبیل متون عیلامی و آکدی (ترجمهٔ اصغر کریمی)، جلد سوم، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
۲. آمیه، پیر. (۱۳۴۹). تاریخ عیلام (ترجمهٔ شیرین بیانی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳. پورادا، ادیث. (۱۳۷۵). چغازنبیل (حکاکی‌ها) (ترجمهٔ اصغر کریمی)، جلد چهارم، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
۴. پیرنیا، حسن؛ اقبال آشتیانی، عباس و معتضد، خسرو. (۱۳۸۹). تاریخ ایران، چاپ چهارم، تهران: نگارستان کتاب.
۵. سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۶۲). روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات آگاه.
۶. سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۹۰). تاریخ مختصر شهر و شهرنشینی در ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات چهارطاق.
۷. قهاری، سید علیرضا. (۱۳۸۸). چغازنبیل ولوله در سرزمین خدایان، نشریهٔ معماری و ساختمان، سال دوم، شمارهٔ ۱۳، ۴۳-۳۹.
۸. گیرشمن، رومن. (۱۳۷۵). چغازنبیل (تمنوس، معابد، کاخ‌ها، قبور) (ترجمهٔ اصغر کریمی)، جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
۹. گیرشمن، رومن. (۱۳۷۵). چغازنبیل (زیگورات) (ترجمهٔ اصغر کریمی)، جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
۱۰. موسوی و دیگران. (۱۳۹۴). تاریخ جامع ایران، چاپ دوم، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
۱۱. نگهبان، عزت‌الله. (۱۳۷۵). شوش، کهن‌ترین مرکز شهرنشینی جهان، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.

Wilhelm König.(1926). Corpus Inscriptionum
Elamitarum. Published by Lafaire: Hannover
14. www.choghazanbil.ir

۱۲. هینتس، والتر. (۱۳۷۱). دنیای گمشده عیلام
(ترجمه فیروز فیروزنیا)، تهران: شرکت انتشارات علمی
فرهنگی.

تاریخ دسترسی: ۱۳۹۴/۹/۱

13.Brok, Ferdinand; Georg Hüsing; Friedrich

<p>نحوه ارجاع به این مقاله: خالفیان، سسیما، قندهاری، شیما و سعدوندی، مهدی. (۱۴۰۳). ارتباط بین پیکره‌بندی فضایی معماری و مناسک اجتماعی-مذهبی عیلامیان (مورد مطالعه: محوطه چغازنبیل). پژوهشهای فضا و مکان در شهر، ۸(۳۳)، ۹۵-۱۲۱. https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2044570.1084</p> <p>DOI: https://doi.org/10.22034/jspr.2025.2044570.1084 URL: https://jspr.jdisf.ac.ir/article_720051.html</p>	
<p>Copyrights: ©2023 by the authors. Published by Journal of Urban Studies on Space and Place. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0 (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)).</p>	





پروشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی